

ملوک التتار: الرمزی، تهران، آموزش انقلاب اسلامی؛ جغرافیای تاریخی و سیاسی آسیای مرکزی: غلامرضا گلی زواره، قم، دفتر تبلیغات، ۱۳۷۳ش؛ جنبش اسلامی ازبکستان: یوسف وصالی مزین، تهران، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، ۱۳۸۵ش؛ حج ۲۶: محمد حسین رجبی، تهران، مشعر، ۱۳۸۵ش؛ حج ۲۹: حجت الله بیات و سید حسین اسحاقی، تهران، مشعر، ۱۳۸۸ش؛ الحج قبل مئة سنة: یفیم ریزفان، بیروت، دار التقریب بین المذاهب الاسلامیه، ۱۹۹۳م؛ خاطره‌های امیر عالم خان (تاریخ حزن الملل): امیر عالم خان، به کوشش احرار مختارف، تهران، مرکز مطالعات ایران، ۱۳۷۳ش؛ خراسان و ماوراء النهر: آ. بلینتسکی، ترجمه: ورجاوند، تهران، نشر گفتار، ۱۳۶۴ش؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی: زیر نظر بجنوردی، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ، ۱۳۷۲ش؛ الدر الکمین بذیل العقد الثمین، عمر بن فهد المکی (م. ۵۵۸ق.)، به کوشش ابن دهیش، مکه، مکتبه الاسدی، ۱۴۲۵ق؛ مقالات تاریخی: رسول جعفریان، قم، دلیل ما، ۱۳۸۸ش؛ سفرنامه حجاز: محمد لیبیب البتونی، ترجمه: انصاری، تهران، مشعر، ۱۳۸۱ش؛ سیاحت درویش دروغین در خانات آسیای میانه: آرمینیوس وامبری، ترجمه: خواجه نوریان، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴ش؛ سیمای فرهنگی ازبکستان: گروه نویسندگان، به سرپرستی عباسعلی وفایی، تهران، الهدی، ۱۳۸۴ش؛ شاه اسمعیل صفوی: مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی همراه یادداشت‌های تفصیلی، به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران، ارغوان، ۱۳۶۸ش؛ شاه طهماسب صفوی: عبدالحسین نوایی، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۰ش؛ شاه عباس صفوی: عبدالحسین نوایی، تهران، زرین، ۱۳۶۷ش؛ عباس نامه: محمد طاهر وحید قزوینی، به کوشش دهگان، اراک، داودی، ۱۳۲۹ش؛ عالم‌آرای صفوی: به کوشش یدالله شکری، تهران،

مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی؛ العرب و الاسلام فی اوزبکستان: بوریوی احمدوف و زاهد الله منوروف، به کوشش نعمت الله ابراهیموف، بیروت، شركة المطبوعات للتوزیع و النشر، ۱۹۹۹م؛ العقد الثمین فی تاریخ البلد الامین: محمد الفأسی (م. ۸۳۲ق.)، به کوشش فؤاد سیر، مصر، الرساله، ۱۴۰۶ق؛ فرهنگ و تمدن اسلامی در ماوراء النهر: علی غفرانی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷ش؛ میقات حج (فصلنامه): تهران، حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت؛ النجوم الزاهره: ابن تغری بردی الاتابکی (م. ۸۷۴ق.)، مصر، وزارة الثقافة و الارشاد القومي؛ نشر الریاحین: عاتق بن غیث السبلادی، مکه، دار مکه، ۱۴۱۵ق؛ نقاوة الآثار فی ذکر الاخیار: محمود بن هدایت الله افوشته‌ای نطنزی، به کوشش احسان اشراقی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳ش؛ ویژگی‌های جغرافیایی آسیای میانه و قزاقستان: ابوالفضل عشقی، هادی قنبرزاده، مشهد، نشر نیکا، ۱۳۷۴ش.

کامران محمدحسینی



ازدواج موقت: گونه‌ای از پیمان

مشروع زناشویی با تعیین مدت و مهر در

عقد

ازدواج موقت یا متعه، گونه‌ای از پیمان زناشویی است که در آن، مهر و مدت ازدواج معین می‌شود.^۱ برخی از فقیهان اهل سنت در

۱. نک: مصطلحات الفقه، ص ۴۶۸؛ معجم الفاظ الفقه الجعفری، ص ۲۱۸.

زن و مرد بالغ، عاقل و مسلمان باشند یا آن که مرد مسلمان و زن از اهل کتاب باشد. ازدواج موقت با بت پرستان و کافران، جز اهل کتاب، و نیز نواصب، مانند خوارج، جایز نیست.

۳. مهر: در ازدواج موقت باید مهر معلوم باشد و در عقد یاد شود؛ و اگر نه عقد باطل است. مقدار مهر با توافق طرفین تعیین می شود. ۴. مدت: مدت عقد باید در آن یاد شود. در غیر این صورت، به عقد دائم تبدیل می گردد.^۸

ازدواج موقت و دائم، شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند. مهم‌ترین شباهت‌های آن دو عبارتند از: ۱. هر دو به عقد یعنی صیغه ایجاب و قبول با الفاظ ویژه نیازمندند.^۹ ۲. در هر دو، اموری همچون محرمیت و عدّه، مانع هستند. ۳. محرمیت به سبب نسبت، مصاهره و رضاع در هر دو پدید می آید. ۴. فرزند حاصل از هر دو، دارای حقوق معنوی و مادی همچون ارث است.

۵. در هر دو، مهر لازم است. ۶. در صورت مباشرت زوجین در هر دو نکاح، زن باید عده نگاه دارد.^{۱۰} عده زن در صورت وفات همسر،

۸. مسالك الافهام، ج ۷، ص ۴۲۷؛ جواهر الکلام، ج ۳۰، ص ۱۵۳-۱۵۷.

۹. جواهر الکلام، ج ۳۰، ص ۱۵۳-۱۵۵؛ المتعة بين الشريعة و البدعة، ص ۲۲۵؛ زواج المتعة، ج ۱، ص ۴۱.

۱۰. المتعة بين الشريعة و البدعة، ص ۲۲۵؛ المتعة و مشروعيتها في الاسلام، ص ۱۱۸-۱۱۹.

تعریف این ازدواج به حضور دو شاهد، پرداخت مهر و فقدان ارث میان زوجین اشاره کرده‌اند.^۱ در متون و منابع اسلامی، از این گونه ازدواج با تعابیری مانند نکاح منقطع^۲، مُتْعَه^۳، ازدواج متعه^۴ و متعه زنان (متعة النساء)^۵ یاد کرده‌اند.

◀ ارکان و شرایط ازدواج موقت: این

ازدواج چهار رکن دارد:

۱. صیغه عقد: عقد متعه با الفاظ «زَوَّجْتُكَ»، «أَنْكَحْتُكَ» یا «مَتَّعْتُكَ بِكَذَا إِلَى مَدَّةِ كَذَا» از سوی زن و واژه‌های «قَبِلْتُ» یا «قَبِلْتُ التَّرْوِيجَ/النِّكَاحَ/الْمُتَّعَةَ» از سوی مرد صورت می پذیرد. ازدواج موقت را با واژگان تملیک، هبه، اجاره، بیع، اباحه و مانند آن نمی توان منعقد ساخت. همچنین لازم است صیغه عقد با زمان ماضی بیان شود و متعاقدین از آن قصد انشاء کنند.^۶ برخی انعقاد آن را با الفاظ مستقبل مانند «اترُوجُكَ مَدَّةَ كَذَا بِمَهْرٍ كَذَا» نیز جایز دانسته‌اند.^۷

۲. متعاقدین: طرفین نکاح موقت باید

۱. تفسیر قرطبی، ج ۵، ص ۱۲۲.

۲. شرائع الاسلام، ج ۲، ص ۵۲۸؛ مختلف الشیعه، ج ۷، ص ۸۷.

۳. الکافی، ج ۵، ص ۴۴۸؛ المجموع، ج ۷، ص ۱۵۸؛ جواهر الکلام، ج ۳۰، ص ۱۴۱.

۴. الام، ج ۲، ص ۲۷۵؛ الکافی، ج ۵، ص ۳۶۳-۳۶۴؛ الخلاف، ج ۴، ص ۳۴۰.

۵. صحیح البخاری، ج ۵، ص ۷۸؛ الکافی، ج ۵، ص ۴۴۸؛ الخلاف، ج ۴، ص ۳۴۱.

۶. شرائع الاسلام، ج ۲، ص ۵۲۸؛ جامع المقاصد، ج ۱۳، ص ۱۹.

۷. کفایة الاحکام، ج ۲، ص ۱۶۳؛ ریاض المسائل، ج ۱۰، ص ۲۷۳.

چهار ماه و ۱۰ روز و در صورت حامله بودن، وضع حمل است. ۷. زن حق ازدواج با کافر و مرد حق ازدواج با غیر کتابی را ندارد.^۱

تفاوت‌های این دو ازدواج عبارتند از: ۱. در ازدواج موقت، بر خلاف دائم، مهر باید در عقد یاد شود.^۲ ۲. در ازدواج دائم، طلاق وجود دارد؛ اما در ازدواج موقت، جدایی زوجین با بخشیدن مدت از سوی مرد یا پایان یافتن آن حاصل می‌شود.^۳ ۳. در ازدواج دائم، زن و شوهر از یکدیگر ارث می‌برند؛ ولی در ازدواج موقت، به باور بیشتر فقیهان توارث نیست،^۴ هر چند برخی به آن باور دارند.^۵

۴. در ازدواج دائم، نفقه واجب است و در ازدواج موقت، جز با شرط کردن واجب نیست.^۶ ۵. در ازدواج موقت، برخلاف دائم، رضایت زوجین برای پیشگیری از فرزنددار شدن شرط نیست.^۷ ۶. در ازدواج موقت، بر خلاف دائم، به باور مشهورظهار و لعان وجود

ندارد.^۸ ۷. عده زن در فرض مباشرت، در ازدواج دائم، سیری شدن سه عادت ماهانه و در نکاح موقت، به حسب مورد، گذشتن دو عادت ماهانه یا ۴۵ روز است.^۹ ۸. در ازدواج موقت، بر خلاف دائم، نکاح مرد با بیش از چهار زن جایز است.^{۱۰} ۹. در ازدواج موقت، بر خلاف دائم، ازدواج با زنان کافر اهل کتاب جایز است.^{۱۱} ۱۰. در صورت وفات شوهر در اثنای ازدواج موقت، زن در فرض عدم مباشرت، مالک همه مهر و در ازدواج دائم تنها مالک نیمی از مهر می‌شود.^{۱۲}

◀ ضرورت و مشروعیت ازدواج

موقت: از گزینه‌های مهم و نیازهای طبیعی انسان، گزینه جنسی است. قرآن کریم آن را پیش از دیگر غرایز و نیازهای مادی انسان برشمرده است: ﴿زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالتَّبَنِينَ وَالتَّقَاتِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ الْحَلِيلِ الْمُسَوِّمَةِ وَ الْأَنْعَامِ وَ الْحَرْتِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ اللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ﴾ (آل عمران/ ۳، ۱۴) بی‌بند و باری در ارضای این غریزه، پیامدهای زیانبار فراوان برای فرد و

۱. شرائع الاسلام، ج ۲، ص ۵۲۵-۵۲۹: المتعة بين الشريعة و البدعة، ص ۲۲۵؛ زواج المتعة، ج ۱، ص ۴۷.
۲. شرائع الاسلام، ج ۲، ص ۵۳۱؛ جواهر الكلام، ج ۳۰، ص ۱۶۲.
۳. شرائع الاسلام، ج ۲، ص ۵۳۱.
۴. مسالك الافهام، ج ۷، ص ۴۶۵؛ جواهر الكلام، ج ۳۰، ص ۱۹۰-۱۹۳.
۵. مسالك الافهام، ج ۷، ص ۴۶۴؛ الموسوعة الفقهية الميسرة، ج ۲، ص ۵۷.
۶. الروضة البهية، ج ۵، ص ۴۶۵؛ جواهر الكلام، ج ۳۱، ص ۳۰۳.
۷. الحقائق، ج ۲۴، ص ۱۷۰؛ جواهر الكلام، ج ۳۰، ص ۱۸۷-۱۹۰.

۸. شرائع الاسلام، ج ۲، ص ۵۳۱-۵۳۲؛ مسالك الافهام، ج ۷، ص ۴۶۰.
۹. الروضة البهية، ج ۵، ص ۳۰۱؛ مسالك الافهام، ج ۷، ص ۴۷۲.
۱۰. المتعة و مشروعيتها في الاسلام، ص ۱۲۳؛ زواج المتعة، ج ۱، ص ۴۳.
۱۱. شرائع الاسلام، ج ۲، ص ۵۲۹؛ جواهر الكلام، ج ۳۰، ص ۱۵۵.
۱۲. جواهر الكلام، ج ۳۰، ص ۱۶۹.

ازدواج دائم و ازدواج موقت.^۳ احتمال نخست را نمی‌توان پذیرفت؛ زیرا هرگاه کلمه استمتاع به گونه مطلق و بدون قرینه یاد شود، در ازدواج دائم ظهور ندارد.^۴ نیز آیه یاد شده تمتع و ازدواج را در برابر پرداخت مال روا شمرده و تنها در ازدواج موقت، ذکر مهر در عقد شرط است و پس از پرداخت مال، تمتع حلال می‌شود؛ نه در ازدواج دائم.^۵ دلیل دیگر آن است که این آیه، پرداخت مهر را پس از استمتاع واجب شمرده است، در حالی که در ازدواج دائم، مهر با عقد واجب می‌شود، نه با استمتاع؛ زیرا اگر زوجین در ازدواج دائم پس از عقد بدون استمتاع از یکدیگر جدا شوند، پرداخت نیمی از مهر واجب است.^۶ افزون بر این، اگر این آیه بر ازدواج دائم دلالت کند، لازم می‌شود که حکم ازدواج دائم در یک سوره بدون سبب تکرار گردد؛ زیرا در سومین آیه همین سوره، حکم ازدواج دائم و در چهارمین آیه آن حکم پرداخت مهر در ازدواج دائم بیان شده است. تعبیر **مُحْصِنِينَ غَيْرِ مُسَافِحِينَ** در آیه یاد شده که به طور ضمنی انسان را از زنا پرهیز داده، نیز با ازدواج موقت سازگار است؛ زیرا در صورت تن

۳. جامع البیان، ج ۵، ص ۱۷-۱۹؛ المیزان، ج ۴، ص ۲۷۱-۲۷۳.

۴. التبیان، ج ۳، ص ۱۶۵؛ فقه القرآن، ج ۲، ص ۱۰۴.

۵. التفسیر الکبیر، ج ۱۰، ص ۵۳؛ فقه اهل بیت، ش ۴۸، ص ۷۸-۷۹. «ازدواج موقت در کتاب و سنت».

۶. التفسیر الکبیر، ج ۱، ص ۵۳؛ فقه اهل بیت، ش ۴۸، ص ۷۶-۷۷.

جامعه دارد که افزون بر شرایع الهی، همه خردمندان آن را ناپسند شمرده‌اند.^۱ اما با وجود موانعی برای ازدواج دائم مانند لزوم ادامه تحصیل، نداشتن شغل مناسب و مشکلات مالی، این نوع ازدواج برای همگان ممکن نیست. همچنین گاه ارضای این غریزه به دلیلی مانند دوری از همسر و بیماری او امکان ندارد. از این رو، ضرورت اقتضا می‌کند که برای رفع نیاز این افراد چاره‌ای اندیشیده شود. ازدواج موقت، پاسخ به چنین نیازهایی است و اگر مسلمان با رعایت احکام و شرایط آن، به آن تن دهد، از فساد و فحشا و بسیاری از آثار زیانبار مانند سقط جنین، فرزندان نامشروع و فروپاشی کانون خانواده پیشگیری می‌کند.^۲

ادله گوناگون از قرآن، سنت، اجماع و عقل بر مشروعیت ازدواج موقت دلالت دارند. قرآن کریم در آیات ۲۳-۲۴ نساء/۴ پس از برشمردن زنانی که ازدواج با آنان حرام است، بهره جنسی از برخی زنان را در برابر مهر، مباح شمرده و به پرداختن مهریه آنان فرمان داده است: **﴿وَأَجَلَ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرِ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً﴾**. درباره استمتاع در این آیه، دو احتمال مطرح شده است:

۱. زواج المتعه، ج ۱، ص ۲۷، ۴۳-۴۴.

۲. نمونه، ج ۳، ص ۳۸۰؛ زواج المتعة فی کتب اهل السنه، ص ۵۶.

ندادن به ازدواج موقت، احتمال زنا و انحراف از مسیر اصلی می‌رود، نه ازدواج دائم.^۱ دیگر آن که شماری از صحابه پیامبر ﷺ و تابعین از جمله ابن عباس، ابی بن کعب و سعید بن جبیر آیه یاد شده را به صورت «فما استمتعتم به منهنّ الی اجل مسّی» قرائت کرده‌اند که با ازدواج موقت سازگار است.^۲ از عمران بن حصین، صحابی پیامبر ﷺ گزارش شده است: آیه متعه نازل شد و ما به آن عمل می‌کردیم. پس از آن هم آیه‌ای در حرمت آن نازل نشد و پیامبر نیز تا هنگام رحلت خویش از آن نهی نکرد.^۳ امامان شیعه علیهم‌السلام نیز این آیه را درباره ازدواج موقت دانسته‌اند.^۴ به باور مفسران امامی^۵ و بسیاری از اهل سنت^۶ هم این آیه بر ازدواج موقت دلالت دارد.

حدیث‌های نقل شده از پیامبر ﷺ، اهل بیت علیهم‌السلام و صحابه نیز بر مشروعیت ازدواج موقت گواهی می‌دهند. از جمله بر پایه روایت ابن مسعود، مسلمانان در یکی از نبردها از پیامبر گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم درباره اخصاء (اخته کردن) خود بر اثر فشار غریزه جنسی پرسیدند. پیامبر آنان را از این کار بازداشت و اجازه داد تا در

برابر پرداخت اجرت، زنان را تا مدتی معین متعه کنند. سپس به آیه ۸۷ مائده/۵ استناد کرد که مؤمنان را از حرام شمردن حلال‌های الهی باز می‌دارد: ﴿لَا تُحْرَمُوا طَيِّبَاتٍ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ﴾.^۷ بر پایه روایتی دیگر، جابر بن عبدالله انصاری گفته است: مسلمانان در دوران رسول خدا با مهر قرار دادن مقداری خرما و آرد با زنان ازدواج می‌کردند تا آن‌گاه که عمر بن خطاب آنان را از این کار بازداشت.^۸ همچنین از سیره گزارش کرده‌اند: پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در حجة الوداع پس از شیکوه اصحاب از نداشتن همسر، به آن‌ها اجازه داد تا با زنان ازدواج موقت کنند.^۹ بر پایه روایتی دیگر، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: هر مرد و زنی که با یکدیگر در این باره توافق کردند، سه شبانه روز با هم باشند و چنانچه بخواهند، بر مدت بیفزایند؛ و گرنه از یکدیگر جدا شوند.^{۱۰}

از اهل بیت علیهم‌السلام نیز روایت‌های گوناگون درباره مشروعیت ازدواج موقت گزارش شده است. علی علیه‌السلام در روایتی فرموده است: اگر عمر مردم را از متعه نهی نمی‌کرد، جز اهل شقاوت کسی زنا نمی‌نمود.^{۱۱} بر پایه روایتی از امام باقر علیه‌السلام نیز ازدواج موقت در کتاب خدا و

۱. فقه اهل بیت، ش ۴۸، ص ۷۸-۷۹.

۲. جامع البیان، ج ۵، ص ۱۹؛ مجمع البیان، ج ۳، ص ۶۱.

۳. صحیح البخاری، ج ۵، ص ۱۵۸؛ مسند احمد، ج ۴، ص ۴۳۶.

۴. التبیان، ج ۲، ص ۱۶۵؛ فقه القرآن، ج ۲، ص ۱۰۴.

۵. التبیان، ج ۳، ص ۱۶۵؛ مجمع البیان، ج ۳، ص ۶۰.

۶. احکام القرآن، ج ۲، ص ۱۸۴-۱۸۵؛ التفسیر الکبیر، ج ۱۰، ص ۴۹.

۷. صحیح البخاری، ج ۵، ص ۱۸۹؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۳۰.

۸. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۳۱؛ سنن ابی داود، ج ۱، ص ۴۶۸.

۹. مسند احمد، ج ۲، ص ۴۰۴؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۶۳۱.

۱۰. صحیح البخاری، ج ۶، ص ۱۲۹؛ المعجم الکبیر، ج ۷، ص ۲۴.

۱۱. الکافی، ج ۵، ص ۴۴۸؛ کنز العمال، ج ۱۶، ص ۵۲۳.

روایتی، ابن عباس ازدواج موقت را نه ازدواج و نه زنا شمرده، بلکه آن را همان گونه که در قرآن آمده، «متعّه» خوانده که همانند ازدواج دائم، زن باید در آن عده نگه دارد.^۸ در جای دیگر، آن را رحمتی از خدا بر شمرده که بر امت محمد ﷺ نازل شده است.^۹ از عبدالله بن عمر گزارش کرده‌اند که وی و دیگر صحابه در دوران رسول خدا متعه می‌کرده‌اند^{۱۰} و حتی از این گونه ازدواج، برخی صحابه دارای فرزند شدند.^{۱۱} بسیاری از صحابیان دیگر از جمله اسماء دختر ابی بکر، ابن مسعود، سلمه و معبد از فرزندان امیه، عمرو بن حرب، ابوسعید خدری، معاویه بن ابی سفیان^{۱۲}، ابی بن کعب، زبیر^{۱۳} و بسیاری از تابعین و فقیهان متقدم مانند طاوس، عطاء و سعید بن جبیر ازدواج موقت را حلال شمرده‌اند.^{۱۴}

دلیل دیگر مشروعیت ازدواج موقت، افزون بر سنت متواتر، اجماع است که عالمان شیعه^{۱۵} و

۸. تفسیر قرطبی، ج ۵، ص ۱۳۲؛ التفسیر الکبیر، ج ۱۰، ص ۴۹؛ الدر المنثور، ج ۲، ص ۱۴۱.

۹. تفسیر قرطبی، ج ۵، ص ۱۳۰؛ نیل الاوطار، ج ۶، ص ۲۷۰؛ وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۱۹.

۱۰. مسند احمد، ج ۲، ص ۹۵؛ مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۳۳۳.

۱۱. الاصابه، ج ۳، ص ۱۲۱؛ ج ۸، ص ۱۸۸؛ المیزان، ج ۴، ص ۲۹۶-۲۹۷.

۱۲. المحلی، ج ۹، ص ۵۱۹.

۱۳. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۱۹.

۱۴. المحلی، ج ۹، ص ۵۲۰؛ المتعة بین الشریعة و البدعه، ص ۱۴۲.

۱۵. السرائر، ج ۲، ص ۶۱۸؛ اصل الشیعة و اصولها، ص ۲۶۶.

سنت رسول خدا تا قیامت باقی است.^۱ امام صادق علیه السلام متعه را از مصادیق درهای رحمت الهی در آیه ۲ فاطر/۳۵ بر شمرده است که کسی را حق بستن آن نیست.^۲ امام رضا علیه السلام آن را از قوانین صریح الهی بر شمرده است.^۳ افزون بر این، در حدیث‌های امامان شیعه علیهم السلام پاداشی فراوان برای عمل به این سنت یاد شده است.^۴ از صحابه و تابعین نیز حدیث‌های گوناگون درباره ازدواج موقت گزارش شده است. بر پایه روایتی، عمر بن خطاب در پاسخ به اعتراض مسلمانان به جلوگیری از متعه، با اشاره به ضرورت اباحه آن در دوران رسول خدا ﷺ، به آنان اجازه داد تا با مقداری خرما، زنان را تا سه روز متعه کنند.^۵ بر پایه گزارشی دیگر، وی مسلمانان را به گواه گرفتن شاهدانی بر ازدواج موقت فرمان داد.^۶ از سخن مشهور عمر که از حلال بودن دو متعه در دوران رسول خدا و نهی خود از آن دو سخن گفته^۷، اعتراف به حلیت ازدواج موقت در دوران رسول خدا ﷺ آشکار است. بر پایه

۱. الکافی، ج ۵، ص ۴۴۹؛ وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۱۶۵.

۲. وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۹؛ مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۱۶۵.

۳. وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۹؛ عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۳۲.

۴. وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۵-۳؛ جامع احادیث الشیعه، ج ۲۱، ص ۶-۲۳.

۵. تاریخ طبری، ج ۳، ص ۴۹۱؛ شرح نهج البلاغه، ج ۱۲، ص ۱۲۱.

۶. المصنف، ج ۷، ص ۵۰۱؛ معالم المدرستین، ج ۲، ص ۲۴۸.

۷. السنن الکبری، ج ۷، ص ۲۰۶؛ کنز العمال، ج ۱۶، ص ۵۱۹.

برخی مفسران و فقیهان اهل سنت به گونه‌های مختلف بدان استناد کرده‌اند؛ چنان‌که فخر رازی از اجماع امت اسلام بر حلال بودن ازدواج موقت یاد کرده است.^۱ سرخسی^۲ و خطابی^۳ نیز بر جواز آن ادعای اجماع کرده‌اند.

◀ ادله مخالفان مشروعیت ازدواج

موقت: بسیاری از اهل سنت ازدواج موقت را حرام شمرده‌اند. اندکی از آنان از ریشه منکر تشریح ازدواج موقت در اسلام شده‌اند و برآنند که چنین ازدواجی در اسلام پیشینه نداشته است.^۴ برخی دیگر آیه استمتاع (۲۴ نساء/۴) را مربوط به ازدواج دائم شمرده^۵ و حلیت ازدواج موقت را از مصادیق سنت پیامبر ﷺ دانسته‌اند که پس از مدتی نسخ شده است. آیات و روایت‌های نقل شده درباره مشروعیت ازدواج موقت (← همین مقاله، ضرورت و مشروعیت ازدواج موقت) برای اثبات بطلان این دو دیدگاه کافی است.

به باور گروهی پرشمارتر، ازدواج موقت بر پایه آیات قرآن و سنت پیامبر گرامی ﷺ مباح بوده؛ اما پس از مدتی نسخ و تا قیامت حرام شده است. مهم‌ترین ادله این گروه عبارتند از:

۱. التفسیر الکبیر، ج ۱۰، ص ۵۳.

۲. المبسوط، ج ۵، ص ۱۵۲.

۳. نک: عون المعبود، ج ۶، ص ۵۹.

۴. تفسیر قرطبی، ج ۵، ص ۱۳۲؛ المتعة بین الشریعة و البدعة، ص ۳۹.

۵. جامع البیان، ج ۵، ص ۱۷؛ تفسیر قرطبی، ج ۵، ص ۱۲۹.

۱. قرآن: حلیت متعه با آیات ﴿وَالَّذِينَ هُمْ يُفْرُوهُمْ حَافِظُونَ * إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ * فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ﴾ (مؤمنون/۲۳، ۵-۷؛ معارج/۷۰، ۲۹-۳۱) نسخ شده است؛ زیرا در این آیات راه‌های آمیزش مردان با زنان به ازدواج دائم و مالکیت کنیزان منحصر شده است.^۶ در پاسخ به اینان گفته شده است: اولاً حکم نسخ باید پس از حکم منسوخ نازل شده باشد؛ ولی سوره مؤمنون و معارج مکی هستند و پیش از آیه متعه نازل شده‌اند.^۷ ثانیاً ازدواج موقت نیز گونه‌ای نکاح است و زن پس از عقد ازدواج موقت، از «ازواج» به شمار می‌رود. از این رو، آیات یاد شده همسران موقت را نیز شامل می‌شود. تأییدگر این سخن، تعبیر بسیاری از صحابه، مفسران و فقیهان اسلامی از متعه به «نکاح» است.^۸

برخی از صاحبان این دیدگاه، آیات مربوط به عده و مهر و طلاق و ارث، مانند آیه ۱ طلاق/۶۵ و ۲۲۸ بقره/۲ و ۴ و ۱۲ نساء/۴ را نسخ‌کننده آیه متعه دانسته‌اند؛ با این توضیح که بر پایه آیات یاد شده، طلاق، عده، ارث و

۶ احکام القرآن، ج ۲، ص ۱۸۸؛ اضواء البیان، ج ۵، ص ۳۱۸.

۷. المیزان، ج ۴، ص ۲۷۳.

۸. الام، ج ۲، ص ۲۷۵؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۳۰-۱۳۴؛ المیزان، ج ۴، ص ۳۰۴.

۹. تفسیر قرطبی، ج ۵، ص ۱۳۰؛ الدر المنثور، ج ۲، ص ۱۴۰.

می دهند متعه در روزگار رسول خدا ﷺ جریان داشته و پیامبر ﷺ آن را نسخ نکرده است.

۲۷. **روایات:** باورمندان به نسخ، به حدیث‌های گوناگون استناد کرده‌اند که در بیشتر آن‌ها حرمت متعه از زبان پیامبر ﷺ گزارش شده یا به ایشان نسبت یافته است. همچنین در پاره‌ای حدیث‌ها، حرمت آن از زبان امامان شیعه علیهم‌السلام گزارش شده و در روایت‌هایی دیگر به عمر بن خطاب نسبت یافته است.

۱. **روایت‌های نبوی:** بر پایه روایتی از سبّره، رسول خدا ﷺ در حالی که میان رکن و مقام بر کعبه تکیه زده بود، مردم را از استمتاع از زنان بازداشت و آن را تا روز قیامت حرام ساخت و مسلمانان را به رها کردن زنان موقت خود و بازنستادن مهر آنان فرمان داد.^۷ از جابر بن عبدالله نیز گزارش شده است: در یکی از نبردها، همراه زنان متعه با رسول خدا از مدینه بیرون رفتیم. پیامبر پس از آگاهی از این ماجرا فرمود: این زنان تا روز قیامت بر شما حرام هستند.^۸ از حارث بن غزیه انصاری نیز روایت شده که رسول خدا ﷺ سه بار فرمود: متعه زنان حرام است.^۹ افزون بر این، روایت‌هایی از حضرت علی علیه‌السلام، سلمه بن اکوع و اشعث گزارش شده که بر پایه آن‌ها متعه در

۷. التفسیر الکبیر، ج ۱۰، ص ۵۱؛ تفسیر بیضاوی، ج ۲، ص ۱۷۲.

۸. مجمع الزوائد، ج ۴، ص ۲۶۴.

۹. مجمع الزوائد، ج ۴، ص ۲۶۴؛ کنز العمال، ج ۱۰، ص ۵۰۰.

مهر از لوازم و آثار ازدواجند و چون این‌ها در متعه وجود ندارند، متعه ازدواج نیست و حرام است. در پاسخ آنان گفته شده است: اولاً در ازدواج موقت نیز همانند ازدواج دائم، مهر و عده^۱ و حتی به باور بسیاری از فقیهان ارث نیز وجود دارد.^۲ ثانیاً جاری نشدن برخی از آثار زوجیت مانند طلاق و ارث در ازدواج موقت، عنوان ازدواج را از آن سلب نمی‌کند؛ زیرا درست است که آیات طلاق و ارث، عام هستند و عموم آن‌ها شامل ازدواج موقت می‌شود؛ ولی ازدواج موقت با دلیل خاص، یعنی روایات، تخصیص خورده و برخی احکام ازدواج در آن جاری نمی‌شود.^۳ در ازدواج دائم نیز گاه برخی احکام به پشتوانه دلیلی خاص، جاری نمی‌شود؛ مانند انفساخ ازدواج در صورت ارتداد یکی از زوجین یا مرگ یکی از زوجین و ارث نبردن زوجه غیر مسلمان یا قاتل.^۴ ثالثاً ادعای نسخ آیه متعه در تناقض صریح با روایت‌های گوناگون از صحابه^۵ و اهل بیت علیهم‌السلام است که نشان

۱. الوسيله، ص ۳۰۹؛ جواهر الکلام، ج ۳۰، ص ۱۶۲-۱۹۶.

۲. مسالک الافهام، ج ۷، ص ۴۶۷؛ الموسوعة الفقهية الميسرة، ج ۲، ص ۵۷.

۳. المیزان، ج ۴، ص ۲۷۴؛ مواهب الرحمن، ج ۸، ص ۳۳-۳۴.

۴. فقه القرآن، ج ۲، ص ۱۰۴؛ جواهر الکلام، ج ۳۰، ص ۱۴۹.

۵. صحیح البخاری، ج ۵، ص ۱۵۸؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۴۸، ۱۳۱.

۶. کافی، ج ۵، ص ۴۴۹؛ وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۶.

زمان‌هایی خاص حرام اعلام شده است؛ از جمله: نبرد خیبر^۱، یک سال پس از صلح حدیبیه^۲، غزوه اوطاوس^۳، فتح مکه^۴، حجة الوداع^۵ و غزوه تبوک^۶. در پاسخ گفته شده است: اولاً این روایت‌ها خبر واحدند و به اجماع مسلمانان، قرآن با خبر واحد نسخ‌شدنی نیست.^۷ حتی برخی مانند شافعی برآنند که قرآن با سنت متواتر نیز نسخ نمی‌شود.^۸ ثانیاً بر فرض صحت سند، این روایت‌ها از لحاظ محتوا و مضمون ایرادهای گوناگون دارند؛ از جمله: یک. محتوای روایت‌ها پریشان است؛ زیرا در برخی به گونه مطلق از حرمت متعه یاد شده، اما شماری دیگر بر حرمت آن در موقعیت‌ها و هنگام‌های خاص مانند نبرد خیبر و فتح مکه دلالت دارند. پذیرش این روایت‌ها بدین معنا است که متعه بارها حلال و سپس حرام شده باشد.^۹ دو. روایت‌های یاد شده با حدیث‌هایی که بر حرمت متعه در همان

زمان‌ها، مانند فتح مکه، دلالت دارند، متعارض هستند.^{۱۰} سه. این روایت‌ها با حدیث‌های گوناگون دلالت‌گر بر حرمت متعه به طور مطلق که صحابه و تابعین گزارش کرده‌اند، در تعارض هستند و روایت‌های حرمت متعه بر آن‌ها برتری دارند؛ زیرا هم بیشترند و هم صحیح‌تر.^{۱۱} از این گذشته، آیه متعه و روایت‌های اهل بیت علیهم‌السلام تأییدگر روایت‌های حرمت هستند. چهار. بسیاری از این روایت‌ها با حدیث‌های نقل شده از همین راویان در تعارض هستند. اگر این احادیث را بپذیریم، بدین معنی است که صحابیانی چون علی علیه‌السلام، جابر بن عبدالله، سلمة بن اکوع و عبدالله بن عمر هم به حرمت متعه در روزگار رسول خدا باور داشته باشند و هم به حرمت آن.^{۱۲}

ب. روایت‌های نقل شده از امامان علیهم‌السلام در منابع اهل سنت: در حدیثی منسوب به حضرت علی علیه‌السلام نهی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از متعه زنان گزارش شده است.^{۱۳} بر پایه روایتی دیگر، ایشان در پاسخ به ابن عباس که متعه را حلال دانست، به نهی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در حجة الوداع استناد فرمود.^{۱۴} در حدیثی نسبت یافته به

۱. صحیح البخاری، ج ۵، ص ۷۸؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۳۴.
 ۲. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۷۱.
 ۳. فتح الباری، ج ۹، ص ۱۴۹؛ کنز العمال، ج ۱۶، ص ۵۲۶.
 ۴. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۲۳؛ السنن الکبری، ج ۷، ص ۲۰۴.
 ۵. مسند احمد، ج ۳، ص ۴۰۴؛ فتح الباری، ج ۳، ص ۳۳۶.
 ۶. فتح الباری، ج ۹، ص ۱۴۵؛ بحار الانوار، ج ۳۰، ص ۶۲۸.
 ۷. التفسیر الکبیر، ج ۹، ص ۲۳۲؛ البیان، ص ۲۸۰.
 ۸. التفسیر الکبیر، ج ۳، ص ۳۳۲؛ المستصفی، ص ۱۰۱؛ البیان، ص ۲۰۵.
 ۹. الغدیر، ج ۶، ص ۲۲۵؛ المتعة و مشروعيتها فی الاسلام، ص ۷۱؛ المتعة بین الشریعة و البدعة، ص ۱۰۱.

۱۰. المتعة و مشروعيتها فی الاسلام، ص ۷۱؛ البیان، ص ۳۲۲.
 ۱۱. المتعة و مشروعيتها فی الاسلام، ص ۷۱.
 ۱۲. المتعة بین الشریعة و البدعة، ص ۱۰۸-۱۲۶.
 ۱۳. صحیح البخاری، ج ۵، ص ۷۸؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۳۴.
 ۱۴. مجمع الزوائد، ج ۴، ص ۲۶۶؛ السنن الکبری، ج ۷، ص ۲۰۱؛ الدر المنثور، ج ۲، ص ۱۴۱.

آن نهی کرد.^۶ همچنین به مسلمانان فرمان داد تا ازدواج‌های موقت خود را دائمی سازند؛ و گر نه سنگسار می‌شوند.^۷

در روایت نخست، عمر حرمت متعه را به رسول خدا ﷺ نسبت داده؛ ولی روایت‌های دیگر نشان می‌دهند که این تحریم در دوران خود او و از جانب وی رخ داده است؛ به ویژه روایت مشهور او که از وجود دو متعه در زمان رسول خدا و نهی خود از آن سخن گفته است.^۸ نسبت دادن این تحریم به عمر بن خطاب، در سخنی مشهور از امام علی ﷺ نیز به چشم می‌خورد.^۹ افزون بر این، صحابه نیز نهی از متعه را با صراحت به عمر نسبت داده‌اند.^{۱۰} بر این اساس، نهی وی از ازدواج موقت، دلیل بر حرمت آن نیست؛ زیرا او حق تشریح و قانون‌گذاری نداشته است. همین نکته در سخن فرزند عمر آمده است. او در پاسخ کسی که وی را از نهی عمر آگاهی داد، گفت: آن‌گاه که رسول خدا چنین کاری را حلال بشمارد، نمی‌توان آن را با نهی پدرم حرام دانست.^{۱۱}

۶. کنز العمال، ج ۱۶، ص ۵۱۹؛ السنن الکبری، ج ۷، ص ۲۰۶.

۷. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۳۸؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۶۳۱.

۸. السنن الکبری، ج ۷، ص ۲۰۶؛ تفسیر قرطبی، ج ۲، ص ۳۹۲؛ کنز العمال، ج ۱۶، ص ۵۱۹.

۹. الکافی، ج ۵، ص ۴۴۸؛ جامع البیان، ج ۵، ص ۱۹.

۱۰. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۳۱؛ کنز العمال، ج ۱۶، ص ۵۲۳.

۱۱. سنن الترمذی، ج ۲، ص ۱۵۹؛ مسند ابی یعلی، ج ۹، ص ۳۴۲؛

بحار الانوار، ج ۳۰، ص ۶۲۴.

امام صادق ﷺ متعه زنا به شمار رفته است.^۱ در پاسخ گفته شده است: اولاً روایت‌های یاد شده از جهت سند خدشه‌پذیرند.^۲ ثانیاً با دیگر روایت‌های فراوان نقل شده از امامان ﷺ متعارض هستند که متواتر معنوی به شمار می‌روند و در آن‌ها متعه حلال خوانده شده است. این روایت‌ها از جهت سند چنان استوارند که بر پایه آن‌ها حلیت متعه به منزله سیره اهل بیت ﷺ شهرت یافته است.^۳ بر این اساس، باید سه روایت مزبور را از احادیث جعلی منسوب به امامان شیعه ﷺ دانست.^۴

ک. ج. روایت‌های عمر بن خطاب:

روایت‌های گوناگون از عمر گزارش شده که متعه را حرام دانسته و از آن نهی کرده است. بر پایه روایتی، پس از دستیابی عمر به خلافت، وی در خطبه‌ای از حلیت سه روزه ازدواج موقت در دوران رسول خدا و سپس حرمت ابدی آن یاد کرد و آن‌گاه سوگند یاد نمود که اگر متعه‌کنندگان چهار شاهد بر حلیت آن از سوی رسول خدا پس از تحریم نیاورند، سنگسار خواهند شد.^۵ در روایتی دیگر، وی ضمن اقرار به جواز متعه در دوران رسول خدا ﷺ مردم را از

۱. السنن الکبری، ج ۷، ص ۲۰۷؛ فتح الباری، ج ۹، ص ۱۵۰.

۲. المتعة بین الشریعة و البدعة، ص ۹۵.

۳. المغنی، ج ۷، ص ۵۷۱؛ روح المعانی، ج ۵، ص ۷.

۴. البیان، ص ۳۲۲؛ المتعة بین البدعة و الشریعة، ص ۹۳.

۵. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۶۳۱؛ کنز العمال، ج ۱۶، ص ۵۱۹.

برخی مانند فخر رازی، کار خلیفه دوم را چنین توجیه کرده‌اند که نهی او نشان می‌دهد که پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله این کار را نسخ کرده بوده است؛ زیرا اگر تحریم از سوی خود عمر باشد، باید او و همه اصحابی را که این فتوا را شنیده و سکوت کرده‌اند، کافر دانست. این توجیه را نمی‌توان پذیرفت؛ زیرا اولاً عمر به صراحت گفته است که نهی از متعه از جانب خود او است: «متعتان کانتا علی عهد رسول الله صلی الله علیه و آله و أنا أنهی عنهما و أعاقب علیهما.» ثانیاً سکوت صحابه می‌تواند به علل گوناگون باشد؛ از جمله هراس از مجازات خلیفه - چنان که تهدید به مجازات در سخنان او آمده است -، هراس از متهم شدن به شهوت‌رانی، حضور نداشتن بیشتر صحابه در مدینه به علت شرکت در جهاد و ادله دیگر.^۱ از این گذشته، برخی از صحابه مانند حضرت علی علیه السلام به صراحت به این کار اعتراض کردند.^۲

۳.۳.۷. اجماع: مدافعان حرمت متعه با تعابیر گوناگون^۳ مدعی اجماع دانشوران اسلام بر آن شده و گفته‌اند: جز شیعه یا اهل بدعت، کسی با حرمت ازدواج موقت مخالف نیست و

۱. المتعة بین الشریعة و البدعة، ص ۱۷۵-۱۸۰.

۲. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۹۰-۲۹۱؛ شرح نهج البلاغه، ج ۱۲، ص ۱۲۱؛ کنز العمال، ج ۵، ص ۱۶۵.

۳. فتح الباری، ج ۹، ص ۱۵۰؛ روائع البیان، ج ۱، ص ۴۵۸-۴۵۹.

امروزه همه مسلمانان به نسخ حلیت متعه باور دارند. ولی استناد به اجماع مناقشه‌پذیر است؛ زیرا بسیاری از صحابیان همچون حضرت علی علیه السلام^۴، عمران بن حصین، اسماء دختر ابوبکر، جابر بن عبدالله، عبدالله بن مسعود، عبدالله بن عباس، ابوسعید خدری، عمرو بن حریث، سلمة بن اکوع و گروهی از تابعین و فقیهان از جمله طاوس، عطاء، سعید بن جبیر^۵، مجاهد، سُدّی، حکمة بن عتیبه^۶، مالک بن انس^۷ و اهل مکه و یمن^۸ به حلیت ازدواج موقت باور داشته‌اند و با مخالفت اینان اجماعی پدید نمی‌آید.

◀ **شبهه‌های ازدواج موقت:** درباره ازدواج موقت و اهداف و آثار آن، شبهه‌های گوناگون مطرح کرده‌اند؛ از جمله: متعه از ازدواج‌های دوران جاهلی است و نسخ آن در اسلام، به منزله نسخ حکم جاهلی است، نه نسخ حکم شرعی.^۹ افزون بر این، حلیت ازدواج موقت تنها در منابع شیعه آمده است.^{۱۰} در پاسخ گفته‌اند: اولاً در روزگار جاهلیت،

۴. جامع البیان، ج ۵، ص ۱۹؛ کنز العمال، ج ۱۶، ص ۵۲۲؛ وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۱۹.

۵. المحلی، ج ۹، ص ۵۱۹؛ الغدیر، ج ۳، ص ۳۳۲.

۶. دراسات فقهیه، ص ۵۲-۵۶.

۷. الغدیر، ج ۶، ص ۲۲۲.

۸. تفسیر قرطبی، ج ۵، ص ۸۸؛ فتح الباری، ج ۹، ص ۲۱۶.

۹. نک: الغدیر، ج ۳، ص ۳۲۹؛ المتعة النکاح المنقطع، ص ۳۵.

۱۰. الغدیر، ج ۳، ص ۳۲۹؛ ج ۶، ص ۲۲۶؛ زواج المتعه، ج ۳، ص ۸۱.

است؛ زیرا اولاً فلسفه ازدواج موقت، پاسخ دادن به نیاز جنسی افراد در هنگام ضرورت و جلوگیری از انحراف است، نه تجارت و کسب درآمد. ثانیاً ازدواج موقت، مانند ازدواج دائم، قوانین و محدودیت‌هایی دارد که رعایت آن‌ها سبب دوری از همان پیامدهای منفی، از جمله آمیختگی نسب و بی‌سرپرست شدن فرزندان می‌گردد. در این‌گونه ازدواج، زن حق ندارد هم‌هنگام خود را در اختیار چند مرد قرار دهد. او پس از پایان مدت باید عده نگه دارد و اگر فرزندی در این میان پدید آید، مانند فرزندان ازدواج دائم از همه حقوق مادی و معنوی از جمله ارث برخوردار است.^۸

شبهه دیگر آن است که روا بودن ازدواج موقت موجب هوس‌رانی مردان و شهوت‌پرستی آنان می‌شود.^۹ در پاسخ گفته شده است: در اسلام و همه ادیان الهی، شهوت‌پرستی و هوس‌رانی، ناپسند به شمار می‌رود. از این رو، در روایات مردان «ذَوَاق» یعنی آنان که از روی هوس ازدواج می‌کنند و سپس همسرانشان را طلاق می‌دهند، لعن شده‌اند.^{۱۰} بر پایه روایات، هدف از تشریح ازدواج موقت، پیشگیری از ارتکاب

ازدواجی با حدود و شرایط نکاح متعه نبوده است.^۱ تأییدگر این مدعا، روایتی از عایشه است که ازدواج‌های جاهلی را در چهارگونه منحصر کرده و متعه از آن‌ها نیست.^۲ ثانیاً مشروعیت نکاح متعه در قرآن کریم آمده است: «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ» (نساء، ۴، ۲۴) از این گذشته، بیش از ۲۵ حدیث از صحاح و مسانید اهل سنت در این باره گزارش شده است.^۳ همچنین اهل سنت بر حلال بودن آن در اسلام ادعای اجماع کرده‌اند.^۴

برخی بر آنند که ازدواج موقت با کرامت و حقوق انسان ناسازگار است؛ زیرا زن در این صورت به کالایی بدل می‌گردد که میان مردان دست به دست می‌شود.^۵ نیز گفته‌اند: این‌گونه ازدواج سبب پیدایش فرزندان بی‌سرپرست مانند فرزندان نامشروع^۶ و آمیختگی نسل‌ها و مشتبه شدن نسب فرزندان می‌گردد.^۷ در پاسخ گفته‌اند: ریشه این شبهه‌ها، ناآگاهی از ماهیت ازدواج موقت

۱. الغدير، ج ۳، ص ۳۳۲.

۲. صحيح البخاری، ج ۶ ص ۱۳۲؛ سنن ابی داود، ج ۱، ص ۵۰۷.

۳. الغدير، ج ۳، ص ۳۳۲.

۴. المبسوط، ج ۵، ص ۱۵۲؛ التفسير الكبير، ج ۱۰، ص ۵۳.

۵. فقه السنه، ج ۲، ص ۴۲-۴۳؛ زواج المتعه، ج ۳، ص ۳۲۹.

۶. نظام حقوق زن در اسلام، ص ۵۸؛ فقه اهل بيت، ش ۴۸،

ص ۱۳۰-۱۳۱، «ازدواج موقت در کتاب و سنت».

۷. فقه اهل بيت، ش ۴۸، ص ۱۳۱.

۸. نمونه، ج ۳، ص ۳۳۳؛ نظام حقوق زن در اسلام، ص ۵۵-۵۹.

۹. فقه السنه، ج ۲، ص ۴۲؛ نظام حقوق زن در اسلام، ص ۶۴.

۱۰. الكافي، ج ۶ ص ۵۴-۵۵؛ وسائل الشيعه، ج ۲۲، ص ۹.

حرام است.^۱

◀ ازدواج موقت در حج و عمره:

عقد* ازدواج بر مُحرم در احرام حج و عمره حرام است^۲، خواه ازدواج دائم باشد و خواه موقت.^۳ همچنین خواندن عقد دیگران از جانب شخص محرم و بر عهده داشتن ولایت و وکالت در ازدواج نیز ممنوع است.^۴ مهم‌ترین پشتوانه این حکم، روایت‌های پیامبر ﷺ و امامان شیعه علیهم‌السلام هستند که از ازدواج در حال احرام نهی کرده‌اند.^۵ همچنین فقیهان شیعه^۶ و بسیاری از فقیهان اهل سنت^۷ به پشتوانه روایت‌های پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام عقد ازدواج شخص محرم را باطل شمرده‌اند، خواه زن و شوهر هر دو در حال احرام باشند یا یکی از آنان محرم باشد.^۸ (→ عقد ازدواج).

۱. الکافی، ج ۵، ص ۴۴۸؛ کنز العمال، ج ۱۶، ص ۵۲۳؛ وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۱۱.
۲. منتهی المطلب، ج ۲، ص ۸۰۸؛ المجموع، ج ۷، ص ۲۸۳.
۳. کلمة التقوی، ج ۷، ص ۹۶؛ المعتمد، ج ۴، ص ۱۱۲.
۴. منتهی المطلب، ج ۲، ص ۸۰۸؛ المجموع، ج ۷، ص ۲۸۳؛ الشرح الکبیر، ج ۳، ص ۳۱۱.
۵. مسند احمد، ج ۱، ص ۶۴؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۳۶.
۶. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۶۱؛ التهذیب، ج ۵، ص ۳۲۸.
۷. منتهی المطلب، ج ۲، ص ۸۰۸؛ الشرح الکبیر، ج ۳، ص ۳۱۲.
۸. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۶۱؛ الخلاف، ج ۴، ص ۳۴۶؛ تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۳۸۳.
۹. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۳۶؛ المجموع، ج ۷، ص ۲۸۳؛ المغنی، ج ۳، ص ۳۱۱.
۱۰. تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۳۸۳-۳۸۴.

◀ منابع

احکام القرآن: الجصاص (م. ۳۷۰ ق.)، به کوشش عبدالسلام، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق؛ الاصابه: ابن حجر العسقلانی (م. ۸۵۲ ق.)، به کوشش علی محمد و دیگران، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق؛ اصل الشیعة و اصولها: آل کاشف الغطاء (م. ۳۷۳ ق.)، به کوشش علاء آل جعفر، قم، مؤسسه امام علی علیه‌السلام، ۱۴۱۵ ق؛ اضواء البیان: محمد امین الشنقیطی (م. ۳۹۳ ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ ق؛ الام: الشافعی (م. ۲۰۴ ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۳ ق؛ بحار الانوار: المجلسی (م. ۱۱۰ ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق؛ البیان فی تفسیر القرآن: الخوئی (م. ۴۱۳ ق.)، انوار الهدی، ۱۴۰۱ ق؛ تاریخ طبری (تاریخ الامم و الملوک): الطبری (م. ۳۱۰ ق.)، به کوشش گروهی از علما، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۳ ق؛ التبیان: الطوسی (م. ۴۶۰ ق.)، به کوشش العاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ تذکرة الفقهاء: العلامة الحلی (م. ۷۲۶ ق.)، قم، آل البیت علیهم‌السلام، ۱۴۱۴ ق؛ تفسیر بیضاوی (انوار التنزیل): البیضاوی (م. ۶۸۵ ق.)، به کوشش عبدالقادر، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۶ ق؛ تفسیر قرطبی (الجامع لاحکام القرآن): القرطبی (م. ۷۱۰ ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ ق؛ التفسیر الکبیر: الفخر الرازی (م. ۶۰۶ ق.)، قم، دفتر تبلیغات، ۱۴۱۳ ق؛ تهذیب الاحکام: الطوسی (م. ۴۶۰ ق.)، به کوشش موسوی و آخوندی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش؛ جامع احادیث الشیعه: اسماعیل معزی ملایری، قم، المطبعة العلمیه، ۱۳۹۹ ق؛ جامع البیان: الطبری (م. ۳۱۰ ق.)، به کوشش صدقی جمیل، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ ق؛ جامع المقاصد: الکرکی (م. ۹۴۰ ق.)،

قوم، آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۱ق؛ **جواهر الكلام**:
 النجفی (م. ۱۲۶۶ق.)، به کوشش قوچانی و
 دیگران، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛
الحقائق الناضرة: یوسف البحرانی (م. ۱۱۸۶ق.)،
 به کوشش آخوندی، قم، نشر اسلامی،
 ۱۳۶۳ش؛ **الخلاف**: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، به
 کوشش خراسانی و دیگران، قم، نشر اسلامی،
 ۱۴۱۸ق؛ **دراسات فقهية في مسائل خلافیه**:
 نجم الدين الطبسی، قم، دفتر تبلیغات،
 ۱۳۸۰ش؛ **الدر المنثور**: السيوطی (م. ۹۱۱ق.)،
 بیروت، دار المعرفه، ۱۳۶۵ق؛ **روائع البيان**:
 محمد علی الصابونی، التاريخ العربي - دار احیاء
 التراث العربی؛ **روح المعانی**: الأکوسی
 (م. ۱۲۷۰ق.)، به کوشش محمد حسین، بیروت،
 دار الفکر، ۱۴۱۷ق؛ **الروضة البهیة**: الشهيد
 الثاني (م. ۹۶۵ق.)، به کوشش کلانتر، قم، مکتبه
 الداوری، ۱۴۱۰ق؛ **رياض المسائل**: سید علی
 الطباطبائی (م. ۱۲۳۱ق.)، قم، نشر اسلامی،
 ۱۴۱۲ق؛ **زواج المتعة في كتب اهل السنه**: سید
 علاء القزوينی، ستاره، ۱۴۱۵ق؛ **زواج المتعه**:
 سید جعفر مرتضی، دار السیره، ۱۴۲۲ق؛
السرائر: ابن ادريس (م. ۵۹۸ق.)، قم، نشر
 اسلامی، ۱۴۱۱ق؛ **سنن ابن ماجه**: ابن ماجه
 (م. ۲۷۵ق.)، به کوشش محمد فؤاد، بیروت، دار
 احیاء التراث العربی، ۱۳۹۵ق؛ **سنن ابی داود**:
 السجستانی (م. ۲۷۵ق.)، به کوشش سعید
 محمد اللحام، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۰ق؛ **سنن
 الترمذی**: الترمذی (م. ۲۷۹ق.)، به کوشش
 عبدالوهاب، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۲ق؛ **السنن
 الکبری**: البيهقي (م. ۴۵۸ق.)، بیروت، دار الفکر؛
شرائع الاسلام: المحقق الحلبي (م. ۶۷۶ق.)، به
 کوشش سید صادق شیرازی، تهران، استقلال،
 ۱۴۰۹ق؛ **الشرح الكبير**: عبدالرحمن بن قدامه
 (م. ۸۲ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیه؛ **شرح
 نهج البلاغه**: ابن ابی الحدید (م. ۵۶ق.)، به

کوشش محمد ابوالفضل، دار احیاء الکتب
 العربیه، ۱۳۷۸ق؛ **صحیح البخاری**: البخاری
 (م. ۲۵۶ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۱ق؛ **صحیح
 مسلم**: مسلم (م. ۲۶۱ق.)، بیروت، دار الفکر؛
عون المعبود: العظیم آبادی (م. ۳۲۹ق.)،
 بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق؛ **عیون
 اخبار الرضا عليه السلام**: الصدوق (م. ۳۸۱ق.)، ترجمه:
 مستفید و غفاری، تهران، صدوق، ۱۳۷۲ش؛
الغدیر: الامینی (م. ۳۹۰ق.)، تهران، دار الکتب
 الاسلامیه، ۱۳۶۶ش؛ **فتح الباری**: ابن حجر
 العسقلانی (م. ۸۵۲ق.)، بیروت، دار المعرفه؛ **فقه
 السنه**: سید سابق، بیروت، دار الکتب العربی؛
فقه القرآن: الراوندی (م. ۵۷۳ق.)، به کوشش
 حسینی، قم، کتابخانه نجفی، ۱۴۰۵ق؛ **فقه اهل
 بیت عليهم السلام** (فصلنامه): قم، دائرة المعارف فقه
 اسلامی؛ **الكافي**: الكليني (م. ۳۲۹ق.)، به
 کوشش غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه،
 ۱۳۷۵ش؛ **كفاية الاحكام (كفاية الفقه)**: محمد
 باقر السبزواری (م. ۱۰۹۰ق.)، به کوشش
 الواعظی، قم، النشر الاسلامی، ۱۴۲۳ق؛ **کلمة
 التقوی** (فتاوی): محمد امین زین الدین، قم،
 مهر، ۱۴۱۳ق؛ **کنز العمال**: المتقی الهندی
 (م. ۹۷۵ق.)، به کوشش صفوة السقاء، بیروت،
 الرساله، ۱۴۱۳ق؛ **المبسوط**: السرخسی
 (م. ۴۸۳ق.)، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ق؛
المتعة النکاح المنقطع: مرتضی الموسوی
 الاردبیلی؛ **المتعة بين الشريعة و البدعه**: مرتضی
 الموسوی الاردبیلی، تهران، به ديد، ۱۴۲۰ق؛
المتعة و مشروعيتها في الاسلام: مجموعة من
 العلماء و المفسرين، بیروت، دار الزهراء،
 ۱۴۱۵ق؛ **مجمع البيان**: الطبرسی (م. ۵۴۸ق.)،
 به کوشش گروهی از علما، بیروت، اعلمی،
 ۱۴۱۵ق؛ **مجمع الزوائد**: الهیثمی (م. ۸۰۷ق.)،
 بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۲ق؛ **المجموع
 شرح المهذب**: النووی (م. ۶۷۶ق.)، دار الفکر؛

حقوق زن در اسلام: مرتضی مطهری (م. ۱۳۵۸ ش.)، تهران، صدرا، ۱۴۲۱ ق؛ نمونه: مکارم شیرازی و دیگران، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ ش؛ نیل الاوطار: الشوکانی (م. ۱۲۵۵ ق.)، بیروت، دار الجیل، ۱۹۷۳ م؛ وسائل الشیعه: الحر العاملی (م. ۱۱۰۴ ق.)، قم، آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۲ ق؛ الوسيلة الى نيل الفضيله: ابن حمزه (م. ۵۶۰ ق.)، به کوشش الحسون، قم، مکتبه النجفی، ۱۴۰۸ ق.

سید جعفر صادقی فدکی



ازرقی ← اخبار مکة ازرقی

ازلام: تیرهای ویژه قمار و قرعه، نگاه داشته شده در کعبه در روزگار

جاهلیت

ازلام جمع زگم، به دست و پای گاو و حیوانات مانند آن^۱ و نیز چوبی تراشیده را گویند که به اندازه تیر بی‌پر و پیکان باشد.^۲ این چوب‌ها را از درخت جدا و شاخ و برگشان را بریده، صاف و راست می‌کردند.^۳ «أزلم» از ایستگاه‌های حاجیان مصری، برگرفته

۱. معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۱۸؛ لسان العرب، ج ۱۲، ص ۲۷۱، «زلم».

۲. العین، ج ۷، ص ۳۷۰؛ القاموس المحيط، ج ۴، ص ۱۲۵؛ لسان العرب، ج ۱۲، ص ۲۷۱، «زلم».

۳. لسان العرب، ج ۱۲، ص ۲۷۱؛ القاموس المحيط، ج ۴، ص ۱۲۵.

المحلی بالآثار: ابن حزم الاندلسی (م. ۴۵۶ ق.)، به کوشش احمد شاکر، بیروت، دار الفکر؛ مختلف الشیعه: العلامة الحلی (م. ۷۲۶ ق.)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۲ ق؛ مسالک الافهام الى تنقیح شرائع الاسلام: الشهید الثاني (م. ۹۶۵ ق.)، قم، معارف اسلامی، ۱۴۱۶ ق؛ مستدرک الوسائل: النوری (م. ۱۳۲۰ ق.)، بیروت، آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ ق؛ المستصفی: الغزالی (م. ۵۰۵ ق.)، به کوشش محمد عبدالسلام، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۷ ق؛ مسند ابی یعلی: احمد بن علی بن المثنی (م. ۳۰۷ ق.)، به کوشش حسین سلیم، بیروت، دار المأمون للتراث؛ مسند احمد: احمد بن حنبل (م. ۲۴۱ ق.)، بیروت، دار صادر؛ مصطلحات الفقه: علی مشکینی، قم، الهادی، ۱۳۷۹ ش؛ المصنّف: عبدالرزاق الصنعانی (م. ۲۱۱ ق.)، به کوشش حبیب الرحمن، المجلس العلمی؛ معالم المدرستین: العسکری (م. ۱۳۸۶ ش.)، بیروت، النعمان، ۱۴۱۰ ق؛ المعتمد فی شرح المناسک: محاضرات الخوئی (م. ۴۱۳ ق.)، الخلیالی، قم، مدرسه دار العلم، ۱۴۱۰ ق؛ معجم الفاظ الفقه الجعفری: احمد فتح الله، الدمام، ۱۴۱۵ ق؛ المعجم الكبير: الطبرانی (م. ۳۶۰ ق.)، به کوشش حمدی عبدالمجید، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ ق؛ المغنی: عبدالله بن قدامه (م. ۶۲۰ ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیه؛ من لا یحضره الفقیه: الصدوق (م. ۳۸۱ ق.)، به کوشش غفاری، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۴ ق؛ منتهی المطلب: العلامة الحلی (م. ۷۲۶ ق.)، چاپ سنگی؛ مواهب الرحمن: سید عبدالاعلی السبزواری، دفتر آیت الله سبزواری، ۱۴۱۴ ق؛ الموسوعة الفقهیة المیسره: محمد علی الانصاری، قم، مجمع الفكر الاسلامی، ۱۴۱۵ ق؛ المیزان: الطباطبائی (م. ۴۰۲ ق.)، بیروت، اعلمی، ۱۳۹۳ ق؛ نظام